

در ایران هرگونه تحریک اقتصادی برای بالا بردن تقاضای کل، نتیجه‌ای جز افزایش بیش از پیش قیمت‌ها و تورم نخواهد داشت. در شرایط فعلی اقتصاد ایران، کاهش درآمد نفت، تولید و واردات را تحت تأثیر قرار داده و از یک طرف عرضه کل را کاهش داده و از طرف دیگر بهای کالاها و خدمات را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، کلیه سیاست‌های اقتصادی و حمایتی دولت باید در جلوگیری از این رخداد، یعنی کاهش عرضه و افزایش قیمت‌ها متمرکز شوند. علاوه بر این، در کوتاه‌مدت و یا میان‌مدت، اصلاح ساختاری عرضه کالا و خدمات در اقتصاد ایران امکان‌پذیر نیست.

همچنین اصلاح ساختار تولید و عرضه کل از یک طرف و تنظیم رابطه تولیدات داخلی و بازرگانی خارجی، از هر دو جنبه صادرات و واردات باید مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گیرد. اعمال هرگونه سیاست اقتصادی غیرقیمتی و یا غیرتعرفه‌ای برای تنظیم قیمت‌ها و توزیع درآمد و یا کنترل اثرات کاهش درآمد ارزی، ناکارآمدی بیش از پیش اقتصادی کشور را به همراه خواهد داشت. در این شرایط، باید تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از ناکارآمدی اقتصادی سرلوحه هرگونه برنامه‌ریزی اقتصادی قرار گیرد. ■

با ثابت نگه داشتن نرخ ارز و واردات آسان، سعی نموده تا حدودی افزایش هزینه تولیدات و تورم ناشی از آن را محدود نماید.

با بروز بحران اقتصادی در جهان، رشد اقتصادی کشورهای مختلف کاهش یافته و بعضاً صفر یا منفی نیز خواهد شد. بدیهی است کاهش این رشد، کاهش مصرف و تقاضای نفت برای اقتصاد جهان و کاهش بهای نفت و درآمد نفتی برای اقتصاد ایران را به همراه داشته است. کاهش درآمد نفتی در اقتصاد ایران، فشار بر نرخ ارز، پایان دوره واردات آسان و افزایش بهای تمام شده واردات را به بار می‌آورد. این عوامل از یک طرف، باعث کاهش واردات و از طرف دیگر، باعث تشدید تورم از ناحیه عرضه می‌شوند. لذا بحران اقتصادی که در غرب از تقاضای کل شروع شده، در اقتصاد ایران خود را از ناحیه عرضه نشان می‌دهد. این بدان معنی نیست که تقاضای کل اقتصاد ایران دست نخورده می‌ماند، لیکن اثر اصلی و جهت حمله این بحران بر اقتصاد ایران، از ناحیه عرضه کل خواهد بود.

در این شرایط، اگرچه در غرب و بیشتر اقتصادهای بحران زده دنیا، هدف اصلی، افزایش تقاضای کل برای جلوگیری از عمیق‌تر شدن رکود می‌باشد، لیکن

## نظام بانکی در کشور

# خشک رود دجله بانکی



**به علت درون‌زا بودن پول و آشکار شدن علایم رکود اقتصادی، کاهش رشد نقدینگی در جریان است.**

شبکه بانکی کشور تا پایان شهریور سال جاری، در حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات، بیش از سپرده‌های غیردولتی پرداخت کرده است که این مبلغ، یک سوم کل سپرده‌های غیردولتی جذب شده در این مدت می‌باشد. براساس آخرین آمار منتشر شده بانک مرکزی، شبکه بانکی موفق به جذب ۱۵۶ هزار و ۶۴۶ میلیارد تومان سپرده غیردولتی تا پایان شهریور سال جاری شد که ۲۸ هزار و ۴۸۹ میلیارد تومان آن را نزد بانک مرکزی به عنوان سپرده قانونی ذخیره کرد. با کسر این مبلغ از سپرده‌ها، بانک‌ها باید به میزان ۱۲۸ هزار و ۱۵۷ میلیارد تومان تسهیلات پرداخت می‌کردند، در حالی که شبکه بانکی، حدود ۱۶۷ هزار و ۲۰۸ میلیارد تومان تسهیلات را در همین مدت پرداخت کرده است. مقایسه آمارهای فوق نشان می‌دهد که بانک‌ها، حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان بیش از منابع جذب شده تسهیلات پرداخت کرده‌اند.

برای کمک به بانک‌ها در انجام تعهداتشان، با چاپ پول و پرداخت آن در قالب قرض به شبکه بانکی، تلاش کرد تعادل در بازار پولی کشور حفظ شود. اما اتخاذ این سیاست، دو پیامد عمده را برای کشور به همراه آورد. نخست افزایش حجم نقدینگی که طی سه سال دو برابر شد و از ۶۸ هزار و ۵۸۶ میلیارد تومان در پایان سال ۸۳ به ۱۶۴ هزار و ۲۹ میلیارد تومان در پایان سال ۸۶ رسید. اما روند افزایشی نقدینگی همچنان ادامه دارد، به طوری که رامین پاشایی فام، معاون اقتصادی بانک مرکزی، حجم نقدینگی را تا پایان آبان سال جاری ۱۷۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. دومین پیامد، افزایش نرخ تورم است که با افزایش نقدینگی شتاب گرفت، به طوری که سیر نزولی نرخ تورم که در سال ۸۴ به ۱۲/۱ درصد رسیده بود، دوباره اوج گرفت و به ۲۵/۴ درصد تا پایان آبان سال ۸۷ افزایش یافت.

## اشتباه در محاسبه توان مالی بانک‌ها

فشارهای بیرونی و برخورد دستوری با بانک‌ها، تنها دلایل بحران منابع نظام بانکی نبودند. دولت به اشتباه، توان پرداخت تسهیلات بانک‌ها را در زمان شیبانی (رییس کل اسبق بانک مرکزی) ۱۴۰ هزار میلیارد تومان محاسبه کرد، در حالی که قدرت تسهیلات دهی بانک‌ها ۲۰ هزار میلیارد تومان بود. بر این اساس، بانک‌ها می‌توانستند تا سقف ۲۸۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات در اختیار متقاضیان قرار دهند که این سنجش، معیار دولت برای وعده‌های سفرهای استانی برای پرداخت تسهیلات قرار گرفت. با اعمال فشار بر بانک‌ها برای تحقق اهداف دولت، پیامدهای دیگری نیز شکل گرفت. افزایش اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی، یکی از آنها است، به طوری که هم‌اکنون اضافه برداشت بانک‌ها به ۱۳ هزار

روند عدم رعایت تناسب بین منابع و مصارف شبکه بانکی و پرداخت تسهیلات بیش از منابع همیشه وجود داشت، ولی در دولت نهم شدت گرفت. در نخستین سال آغاز به کار دولت، منابع جذب شده بانک‌ها حدود ۸۷ هزار و ۳۴ میلیارد تومان بودند. بر همین اساس، بانک‌ها به میزان ۸۳ هزار و ۲۸۳ میلیارد تومان تا پایان مدت زمان یادشده تسهیلات پرداخت کردند. مقایسه آمار فوق نشان می‌دهد که بانک‌ها در اسفند ۸۴ به میزان ۳ هزار و ۷۵ میلیارد تومان کمتر از سپرده‌های جذب شده تسهیلات پرداخت کرده‌اند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند اگرچه در برخی مواقع، منابع و مصارف بانک‌ها سر به سر بوده‌اند، اما به دلیل فشارهای بیرونی حاکم بر شبکه بانکی، بانک‌ها به جایی رسیده‌اند که منابعشان ته کشیده است. در این بین، توجه به نظر یکی از مسؤولان بانکی ضروری است. غلامحسین الهام، سخنگوی دولت، طی یک اظهارنظر، نگاه ویژه دولت را نسبت به بانک‌ها و پرداخت تسهیلات این گونه تشریح می‌کند: «اختصاص منابع بانکی به ۱۰ درصد جامعه و محروم ماندن ۹۰ درصد از این منابع، موجب استثمار مردم از طریق بهره‌مندان از منابع بانکی می‌شود.»

سفرهای استانی رییس‌جمهور و وعده‌های ایشان در این سفرها و حتی طرح بنگاه‌های زودبازده که در دولت خاتمی اجرا و با شکست مواجه شد، همگی بر

درصد و در بانک‌های خصوصی ۱۳ درصد اعلام شد. سود سپرده‌ها در سال ۸۶ برای بانک‌های دولتی همان ۱۶ درصد تعیین شد، اما در بانک‌های خصوصی به ۱۷/۵ درصد کاهش یافت. این در حالی بود که نرخ تورم هر ماه، نسبت به ماه مشابه سال قبل همچنان صعودی بود، به طوری که این نرخ در پایان سال ۸۶ به ۱۸/۴ درصد افزایش یافت. نرخ سود تعیین شده برای تسهیلات بانکی در سال ۸۷ نیز در شرایطی اعمال شد که نرخ تورم، همچنان در حال افزایش بود. با افزایش شکاف بین نرخ سود تسهیلات و نرخ تورم، بانک‌ها توان پرداخت سود واقعی را به سپرده‌ها از دست دادند و سپرده‌گذاران برای حفظ ارزش پول خود، ناچار به خارج کردن سپرده‌ها از بانک‌ها و بکارگیری آنها در بازارهای زودبازدهی چون مسکن و طلا شدند. در همین حین، بهمنی، رییس کل بانک مرکزی، خبر از رشد منفی سپرده‌های بانک‌های دولتی در شش ماهه اول سال جاری و کمبود منابع بانکی داد. آخرین آمار بانک مرکزی نیز حکایت از رشد منفی سپرده‌ها دارد. میزان سپرده‌های بانکی در سه ماهه اول سال جاری ۱۵۲ هزار و ۸۷۱ میلیارد تومان بود که در مقایسه با سه ماهه اول سال گذشته، به میزان ۰/۴ درصد رشد منفی دارد. همچنین روند جذب سپرده از تیر ماه سال جاری - که به میزان ۱۵۷ هزار و ۵۵۷ میلیارد تومان بود - سیر نزولی در پیش گرفته و در شهریور سال جاری به ۱۵۶ هزار و ۶۴۶ میلیارد تومان رسید که این امر حکایت از رشد منفی ۰/۶ درصدی نسبت به دو ماه گذشته دارد. افزایش فاصله میان نرخ تورم و سود تسهیلات، موجب شد تا برخی افراد از پرداخت اقساط، به دلیل به صرفه نبودن خودداری کنند و بدین ترتیب مطالبات معوق بانک‌ها افزایش یافت.

در هر حال، آنچه که بیش از همه باعث شد تا ورودی بانکی به نفع خروجی آنها تغییر کند، فشار زیاد دولت بر بانک‌ها برای تأمین تسهیلات بخش‌های مورد نظر خود بود. بنگاه‌های زودبازده یکی از این طرح‌ها است که بر اساس آمار بانک مرکزی، به میزان ۳۸ درصد از محل اصلی خود انحراف داشته است.

### مقام اول ایران در تسلط بر منابع

بانک جهانی در بررسی دو سال قبل خود، دولت ایران را از نظر سلطه بر منابع بانکی در جایگاه نخست منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا معرفی کرد و تسلط دولت‌ها را بر منابع مالی، یکی از ویژگی‌های بارز کشورمان در منطقه نام برد. ■



دیدگاه دکتر محمد طالبی، مدیر عامل بانک کشاورزی، نسبت به مسأله ورود شرکت‌های بیمه تجاری، به حوزه بیمه محصولات کشاورزی

ورود بیمه‌های تجاری به بخش کشاورزی

## آشتی کشاورزی و بیمه

بیمه انتهای زنجیره‌ای است که اصل آن مدیریت ریسک می‌باشد و اگر بیمه بخواهد مؤثر واقع شود، باید به دنبال مدیریت ریسک در حوزه‌هایی باشد که تحت پوشش بیمه قرار خواهند گرفت. اساساً هدف بیمه، توسعه اقتصادی است، نه این که یک سری شرکت‌ها با پرداخت حق بیمه، تأمین‌کننده خسارت سایر شرکت‌ها و یا بیمه‌شدگان باشند.

چراکه اگر واقعاً نگاه به بیمه بر اساس جبران خسارت باشد، بیمه نمی‌تواند آن نقشی را که در توسعه اقتصادی بر عهده دارد، ایفا کند. اکنون این سؤال مطرح است که آیا در کشور ما هر حوزه‌ای که تحت پوشش خدمات بیمه قرار می‌گیرد، به سمت مدیریت ریسک هدایت شده و رو به توسعه می‌نهد؟ آیا واقعاً بیمه کردن حوزه حمل‌ونقل منجر به توسعه بخش حمل‌ونقل کشور شده است؟ آیا بیمه مسوولیت، منجر به بهبود مدیریت‌ها شده است یا بر عکس؟ مثلاً بیمه‌هایی که در حوزه پیمان کاری‌ها انجام می‌دهیم، صرفاً ابزاری برای اطمینان خاطر و حتی استقبال از

ریسک، برای انجام پروژه‌های پرخطر توسط پیمانکاران می‌شود. اساساً باید بررسی کرد هر جا که بحث بیمه مطرح می‌شود، چه مخاطراتی در آن حوزه وجود دارد. معمولاً برای شرکت‌های بیمه و فعالان بیمه‌ای، جذابیت جایی که تنوع خطر در آن بیشتر باشد، زیاد است و شرکت‌های مذکور در پی مصون نمودن این خطر از طریق بیمه هستند. ریسک تولید، ریسک قیمت، ریسک دارایی، ریسک مرتبط با نیروی انسانی و ریسک مالی - که هر کدام از این ریسک‌ها، خودشان گستره فراوانی دارند - از موارد ریسک موجود در بازار می‌باشند. به علاوه، مخاطرات موجود در حوزه محصولات کشاورزی، از دیگر مسائلی است که شرکت‌های بیمه با توجه به آنها، خدمات بیمه‌ای خود را ارائه دهند. حوزه کشاورزی در ایران - با همه مخاطراتی که دارد - به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مثبت، از جمله حوزه‌هایی است که قابلیت بیمه شدن را دارا است. عدم تمایل شرکت‌های بیمه تجاری به سمت بیمه کشاورزی، به این دلیل است که برخی